

رابطه نماز و روحیه مقاومت در سنگر عاشورا

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدهادی حسینی نژاد*

اشاره

این نوشتار با هدف تبیین رابطه ساختاری میان مراحل نماز و روحیه مقاومت در واقعه عاشورا، بر اساس روایت مفصلی از امام صادق علیه السلام تدوین شده است. این روایت، نماز را به مراحل انقطاع از خلق، تکبیر و تعظیم الهی، تلذذ به قرائت قرآن، تواضع در رکوع و ذلت در سجود تقسیم می‌کند. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه هر کدام از این مراحل، مؤلفه‌ای از روحیه مقاومت را در انسان پرورش می‌دهد؟ روش پژوهش، تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار با تطبیق مفاهیم روایت بر شواهد تاریخی عاشورا است. یافته‌ها این موارد را نشان می‌دهد: اول: انقطاع از خلق در نماز، زمینه‌ساز توکل و استقامت در برابر همه قدرت‌های ظاهری می‌شود؛ دوم: تکبیر و برائت از شرک، روحیه ظلم‌ستیزی و نهی از منکر را تقویت می‌کند؛ سوم: تلذذ به کلام الهی، بصیرت و شناخت حق را افزایش می‌دهد؛ چهارم: تواضع در رکوع و سجود، انسان را برای ایثار و شهادت در راه حق آماده می‌کند. نتیجه نوشتار این است که نماز در این روایت، یک «دوره آموزشی فشرده» برای پرورش رزمنده عاشورایی است و عاشورا، تجلی عملی این آموزش‌ها در میدان نبرد حق علیه باطل به شمار می‌آید.

مقدمه

از دیرباز اندیشمندان اسلامی به رابطه نماز و مقاومت توجه ویژه‌ای داشته‌اند. نماز در جایگاه ستون دین نه تنها عبادتی فردی، بلکه عاملی برای شکل‌گیری هویت اجتماعی و سیاسی مسلمانان است. واقعه عاشورا به مثابه اوج مقاومت در برابر ظلم، پیوند عمیقی با نماز دارد؛ از اذان ظهر عاشورا و نماز امام حسین علیه السلام در میدان جنگ گرفته تا تأکید ایشان بر اقامه نماز در برابر

* سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث: s.mohamad681012145@gmail.com

دشمن. با این حال، کمتر پژوهشی به تحلیل ساختاری این رابطه بر اساس یک روایت جامع پرداخته است. روایت امام صادق علیه السلام در بحار الانوار که مراحل مختلف نماز را با پاداش‌های الهی همراه می‌کند، فرصتی بی‌نظیر برای این تحلیل فراهم می‌آورد. این روایت، نماز را چونان فرایندی از «انقطاع»، «تکبیر»، «تلذذ»، «تواضع» و «ذلت» در برابر حق توصیف می‌کند که هر کدام می‌تواند به مؤلفه‌ای از روحیه مقاومت تبدیل شود. پرسش اصلی پژوهش این است که چگونه مراحل نماز (بر اساس این روایت) روحیه مقاومت را در انسان پرورش می‌دهد و این روحیه در واقعه عاشورا چگونه تجلی یافته است؟ فرضیه پژوهش این است که هر مرحله از نماز، یکی از ابعاد روحیه مقاومت (توکل، ظلم‌ستیزی، بصیرت، ایثار و شهادت‌طلبی) را تقویت می‌کند و عاشورا نمونه عینی این تأثیرگذاری است.

بخش اول: توجه بنده نمازگزار برای اقامه نماز

امام صادق علیه السلام در بخش نخست روایت می‌فرماید: «إِذَا تَوَجَّهَ إِلَى مُصَلَاةٍ لِيُصَلِّيَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي أَمَا تَرَوْنَ هَذَا عَبْدِي كَيْفَ قَدِ انْقَطَعَ عَنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ، وَأَمَّلَ رَحْمَتِي وَجُودِي وَرَأْفَتِي؟ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَخْتَصُّهُ بِرَحْمَتِي وَكَرَامَاتِي: ۱ هنگامی که [نمازگزار] به سوی جایگاه نمازش روی می‌آورد تا نماز بگذارد، خدای عزوجل به فرشتگان خود می‌فرماید: ای فرشتگان من، آیا نمی‌بینید این بنده‌ام را که چگونه از تمامی خلق به سوی من بریده و به رحمت و بخشش و مهربانی‌ام امید بسته است؟ شما را گواه می‌گیرم که من او را به رحمت و کرامت‌های خود اختصاص می‌دهم». این بخش از سخن امام صادق علیه السلام دارای سه مؤلفه کلیدی برای تبیین رابطه نماز و روحیه مقاومت در سنگر عاشورا است:

۱. قطع از تمامی خلق (انقطاع الی الله)

اولین ویژگی «قَدِ انْقَطَعَ عَنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ» است؛ یعنی انسان نمازگزار از تمامی خلق می‌برد و تنها به خدا دل می‌بندد. این انقطاع به معنای گسستن تعلقات دنیوی و وابستگی‌های مادی است که در فرهنگ عاشورا نیز به مثابه شرط لازم برای حضور در میدان جهاد و شهادت مطرح است. همه اصحاب امام علیه السلام از همه دنیا دل بریدند و تنها به خداوند امید بستند و با شوق ملاقات خدا، عاشقانه به استقبال مرگ شتافتند.

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۷۷؛ حسن بن علی امام یازدهم علیه السلام، التفسیر المنسوب الی الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص ۵۲۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۲۱.

۲. امید به رحمت، جود و رأفت الهی

دومین ویژگی «أَمَلْ رَحْمَتِي وَ جُودِي وَ رَأْفَتِي» است؛ یعنی بنده نمازگزار امیدش به رحمت، بخشش و مهربانی خداست. این امید ریشه در توحید افعالی دارد که در فرهنگ عاشورا، یاران امام حسین علیه السلام با وجود سختی‌های طاقت‌فرسا، امید خود را به رحمت الهی از دست ندادند. قرآن کریم نیز ناامیدی را از اوصاف کافران برمی‌شمارد: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛^۱ یعنی تنها گروه کافران از رحمت خدا ناامید می‌شوند. این آیه بر استمرار امید به رحمت الهی حتی در سخت‌ترین شرایط تأکید دارد.

۳. اختصاص به رحمت و کرامت‌های الهی

سومین ویژگی «أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَخْتَصُّهُ بِرَحْمَتِي وَ كَرَامَاتِي» است؛ یعنی خداوند بنده نمازگزار را به رحمت و کرامت‌های خود مخصوص می‌گرداند. اختصاص به رحمت به معنای پاداش انقطاع از خلق و امید به خداست. در عاشورا، این اختصاص به رحمت در شهادت و دریافت مقام «سیدالشهدا» برای امام حسین علیه السلام و یارانش تجلی یافت که بالاترین کرامت الهی است. بنابراین می‌توان گفت روحیه مقاومت در سنگر عاشورا، ریشه در انقطاع از تعلقات دنیوی و امیدواری به رحمت الهی دارد. شهیدان کربلا، رحمت و محبت الهی را با همه وجود خود درک کردند؛ به همین دلیل حاضر نشدند لحظه‌ای از امام خود جدا شوند. امام سجاد علیه السلام در مناجات محبین فرمود: «إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا: ^۲ معبودم، کیست آن‌که شیرینی محبت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟»

بخش دوم: تکبیر و براءت از شرک (روحیه ظلم‌ستیزی)

امام صادق علیه السلام در ادامه روایت به اهمیت ذکر «الله اکبر» در نماز و پاداش‌های عظیم آن اشاره می‌فرماید. در واقع وقتی نمازگزار می‌گوید الله اکبر، خداوند متعال به فرشتگان می‌فرماید:
أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي سَأُكَبِّرُهُ وَ أَعْظِمُهُ فِي دَارِ جَلَالِي، وَ أُبْرِئُهُ مِنْ آثَامِهِ وَ ذُنُوبِهِ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَ نِيرَانِهَا، وَ أَعْفُو لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أُبَدِلُ سَيِّئَاتِهِ حَسَنَاتٍ، وَ أَجْعَلُهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ التَّعِيمِ الْمُقِيمِ: ^۳ شما را گواه می‌گیرم ای فرشتگان من، که من نیز

۱. یوسف: ۸۷.

۲. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ج ۱، ص ۴۱۲.

۳. همان.

او را در سرای جلال خود بزرگ و دارای عظمت خواهم کرد، و او را از گناهان و خطاهایش، از عذاب جهنم و آتش هایش پاک و رها می‌گردانم، و آنچه از گناهان گذشته و آینده اوست می‌آمزم، و بدی هایش را به خوبی‌ها تبدیل می‌کنم، و او را از اهل بهشت و نعمت پایدار قرار می‌دهم.

در این روایت، چهار نتیجه و پاداش مشخص برای گفتن ذکر «الله اکبر» ذکر شده است:

نخست: تکبیر و تعظیم بنده در سرای جلال الهی؛

دوم: پاکی و رهایی از عذاب جهنم؛

سوم: آموزش تمام گناهان (گذشته و آینده)؛

چهارم: تبدیل بدی‌ها به خوبی‌ها و درنهایت، ورود به بهشت جاودان.

این نتایج چهارگانه، نشان‌دهنده جایگاه والای ذکر «الله اکبر» است. یک مصداق عینی و تاریخی از تحقق این وعده‌های الهی را می‌توان در واقعه عاشورا و در شخصیت سعید بن عبدالله حنفی شهید نماز مشاهده کرد. وی از یاران وفادار امام حسین علیه السلام در روز عاشورا بود. به گزارش مقتل نویسان، ظهر عاشورا هنگامی که امام حسین علیه السلام نماز خوف به جا آورد، سعید بن عبدالله و زهیر بن قین بجلی مقابل حضرت ایستادند و با صورت، سینه، پهلو و دست از اصابت تیرها به امام علیه السلام جلوگیری کردند.^۱ در این صحنه، سعید بن عبدالله با عمل ایثارگرانه خود، «الله اکبر» را نه تنها بر زبان، بلکه در میدان عمل جاری کرد و با بدن خود سپر بلای امام علیه السلام شد. او با این عمل نشان داد که خدا و امام علیه السلام را از جان خود بزرگ‌تر می‌داند و حاضر است برای حفظ جان امام علیه السلام از هیچ فداکاری دریغ نکند. سعید بن عبدالله حنفی در لحظات پایانی به امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، آیا به پیمانم عمل کردم؟ امام فرمود: «نعم انتَ آمامی فی الجنة»^۲ آری، تو در پیشاپیش من به بهشت می‌روی». رفتن به بهشت نشانه آن است که خداوند چهار پاداش پیش گفته را به او عنایت فرموده است.

نکته مهم دیگر آن است که وقتی مؤمن با اعتقاد کامل، ذکر شریف «الله اکبر» را بر زبان و قلب خود جاری می‌کند، در واقع او خدا را بالاتر و بزرگ‌تر از هر چیزی می‌داند و سایر امور نزد او ناچیز و بی‌مقدار خواهند بود. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه متقین در توصیف مؤمنان

۱. علی بن موسی ابن طاووس، اللهوف علی قتلی الطفوف، ص ۶۶.

۲. محمد سماوی نجفی، ابصار العین، ص ۱۸۹.

می فرماید: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^۱ خدا در جانشان بزرگ و دیگران کوچک مقدارند).

خدا در نزد متقین بزرگ است؛ از این رو هر آنچه غیر خداست، ناچیز و کوچک به شمار می آید. امروز نیز مردم غیور و شجاع ایران به تبع از شهیدان کربلا، با اتکا به خدای سبحان و با اعتقاد به بزرگی و عظمت او، همه مستکبران و امکانات مادی و نظامی آنها را در برابر وجود و اراده حق تعالی ناچیز و بی اهمیت می شمارند؛ از این رو شجاعانه در مقابل تهاجم وحشیانه آنها مقاومت و دفاع می کنند و پیروز میدان هستند.

بخش سوم: تلذذ به قرائت آیات الهی

امام صادق علیه السلام در فراز دیگر می فرماید:

فَإِذَا قَالَ: "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ سُورَةً، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا كَيْفَ تَلَذَّذَ بِقِرَاءَةِ كَلَامِي أَشْهَدُكُمْ [يَا] مَلَائِكَتِي لَأَقُولَنَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: اقْرَأْ فِي جَنَانِي، وَ اِرْقُ دَرَجَاتِهَا فَلَا يَزَالُ يَقْرَأُ وَيَرْقَى دَرَجَةً بِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ...^۲ وقتی که بنده نمازگزار وارد بحث قرائت نماز و خواندن سوره مبارکه حمد و سوره می شود، خداوند به ملائکه می فرماید: ببینید که چگونه بنده من با قرائت کلام من غرق در لذت می شود. شما را گواه می گیرم ای فرشتگان من که روز قیامت به او می گویم که در بهشت قرآن بخوان و بالا برو. و به همین شکل او قرآن می خواند و به درجات بالای بهشت سیر می کند ...

این فراز از روایت نشان دهنده اهمیت قرائت قرآن و انس با آن است. انس با قرآن موجب شناخت و بصیرت در دین می شود که نتیجه آن نیل به درجات بی نهایت بهشت در قیامت است. از فایده های بصیرت در دین، صلابت و استواری در دفاع از دین است که در شهیدان کربلا به ویژه در قمر بنی هاشم علیهم السلام به خوبی نمایان شد.

در حادثه عاشورا، لشکر دشمن قصد داشت غروب تاسوعا به خیمه های اهل بیت علیهم السلام حمله و کار را از نگاه خود تمام کند؛ اما امام حسین علیه السلام به برادرش حضرت ابوالفضل فرمود: «فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى الْغُدْوَةِ وَ تَدْفَعَهُمْ عَنَّا الْعَشِيَّةَ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبَّتِنَا اللَّيْلَةَ وَ نَدْعُوهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ترجمه محمد دشتی.

۲. همان.

فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ أَحْبَبْتُ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَ الدُّعَاءَ وَ الإِسْتِغْفَارَ: ^۱ اگر می توانی تا فردا را از آنها مهلت بگیر و آنها را امشب از ما دفع نما که ما امشب برای پروردگاران نماز بگزاریم و او را بخوانیم و از او طلب آموزش نماییم؛ زیرا خدای تعالی می داند که من همیشه نماز، تلاوت قرآن، دعای بسیار و استغفار را دوست می دارم».

هیچ صحنه‌ای در تاریخ اسلام، تجلی این حقیقت را به روشنی واقعه عاشورا و جان‌فشانی یاران امام حسین علیه السلام نشان نداده است. آنان که در شب عاشورا به مناجات با خدا و قرائت قرآن و دعا پرداختند و در ظهر عاشورا و در اوج بحران، نماز را بر هر چیزی مقدم داشتند و با قرائت قرآن، دل‌های خود را به منبع وحی پیوند زدند، به مقاماتی دست یافتند که قرآن کریم از آنان در جایگاه «صِدِّیقین»، «شُهَدَا» و «صَالِحین» یاد کرده است: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا؛ ^۲ و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، [در روز رستاخیز] همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده است؛ از پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیق‌های خوبی هستند».

در میان شهیدان و الامقام کربلا، حضرت عباس بن علی علیه السلام در جایگاه اسوه‌ای کامل از این تربیت قرآنی، مصداق بارز آیه شریفه «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» است. زیارت‌نامه مخصوص حضرت عباس علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام با این عبارات آغاز می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ سَلَّمَ: سلام بر تو ای بنده شایسته، فرمانبردار خدا و رسولش و امیر مؤمنان و حسن و حسین علیه السلام». ^۳ این عبارت اشاره مستقیمی به آیه ۶۹ سوره «نساء» دارد. حضرت عباس علیه السلام در این زیارت‌نامه با چند عنوان معرفی شده است که هر کدام با یکی از گروه‌های ذکر شده در آیه مطابقت دارد: ۱. «العبد الصالح: بنده شایسته» با گروه «صالحان»؛ ^۲. «المطيع لله و لرسوله و لأمير المؤمنين و الحسن و الحسين: فرمانبردار خدا و رسول و امامان» مصداق «مَنْ يُطِيعُ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ»؛ در آیه است. ۳. «الصديق: بسیار راست‌گو» که در زیارت روز عید فطر و قربان با عنوان «الصديق المواسي» (صدیق فداکار) خطاب شده

۱. محمد بن محمد شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۴۴۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲. نساء: ۶۹.

۳. ابراهیم بن علی کفعمی، مصباح کفعمی، ص ۵۰۴.

است، با گروه «صِدِّیقین» مطابقت دارد.^۱

بخش چهارم: تواضع در رکوع و سجود (روحیه ایثار و شهادت)

فراز دیگر روایت امام صادق علیه السلام به حالات نمازگزار در رکوع و سجده اشاره دارد. این فراز آشکارکننده ارتباط عمیق میان نماز و روحیه مقاومت در قالب تواضع در برابر خداوند و ایستادگی در برابر دشمنان است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

فَإِذَا رَكَعَ قَالَ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي أَمَا تَرَوْنَ كَيْفَ تَوَاضَعَ لِجَلَالِ عَظَمَتِي أَشْهَدُكُمْ لِأَعْظَمَنَّهُ فِي دَارِ كِبْرِيَائِي وَجَلَالِي. إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرُّكُوعِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: أَمَا تَرَوْنَ يَا مَلَائِكَتِي كَيْفَ يَقُولُ: أَتَرْفَعُ عَلَيَّ أَعْدَانِكَ كَمَا أَتَوَاضَعُ لِأَوْلِيَائِكَ، وَانْتَصِبَ لِيَخْدُمَتِكَ أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي لِأَجْعَلَ جَمِيلَ الْعَاقِبَةِ لَهُ، وَلَأَصْبِرَنَّ إِلَى جِنَانِي. فَإِذَا سَجَدَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي أَمَا تَرَوْنَ كَيْفَ تَوَاضَعُ بَعْدَ إِزْتِفَاعِهِ وَقَالَ: إِنِّي وَإِنْ كُنْتُ جَلِيلًا مَكِينًا فِي دُنْيَاكَ، فَأَنَا ذَلِيلٌ عِنْدَ الْحَقِّ إِذَا ظَهَرَ لِي سَوْفَ أُرْفَعُهُ بِالْحَقِّ وَأَذْفَعُ بِهِ الْبَاطِلَ.^۲ نمازگزار در رکوع خود در برابر جلال عظمت الهی تواضع می کند؛ همین امر موجب می شود خدا او بزرگ بشمارد و هنگامی که [نمازگزار] سر خود را از رکوع برمی دارد، خدای متعال می فرماید ای فرشتگان من، آیا نمی بینید که چگونه می گوید: در برابر دشمنان تو سرافرازم، همچنان که در برابر اولیای تو فروتم و برای خدمت به تو برمی خیزم. شما را گواه می گیرم ای فرشتگان من که فرجام نیکو را برای او قرار دهم و او را به بهشت هایم وارد سازم. پس هنگامی که سجده می کند، خدای متعال به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من، آیا نمی بینید که چگونه پس از سرافرازی، فروتنی کرد و گفت: من هرچند در دنیای تو بزرگ و بامکنت باشم، اما در برابر حق، وقتی برایم آشکار شود، خوارم. به زودی او را به حق بلندمرتبه می سازم و به وسیله او باطل را دفع می کنم.

این بخش از روایت، تصویری کامل از یک انسان مؤمن مقاوم را ترسیم می کند که نماز او نه یک عمل ظاهری، بلکه تجلی روحیه و شخصیت اوست. نمازگزار در اینجا پس از رکوع، با سربلندی از خم شدن، اعلام می کند که عزت و سرافرازی خود را فقط در برابر دشمنان خدا

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۵۵.

۲. همان، ج ۷۹، ص ۲۲۱؛ منسوب به امام حسن عسکری، تفسیر امام حسن عسکری، ج ۱، ص ۵۲۲.

حفظ می‌کند؛ در حالی که در برابر اولیای الهی و در پیشگاه خداوند متواضع است. این توازن میان عزت در برابر دشمن و تواضع در برابر حق، جوهره روحیه مقاومت است. سپس در سجده، اوج تواضع را نشان می‌دهد و اذعان می‌کند که هر قدر هم در دنیا جایگاه والایی داشته باشد، در برابر حقیقت و فرمان الهی سر تعظیم فرود می‌آورد. خداوند نیز در پاسخ به این حالات، وعده می‌دهد که او را به حق رفعت بخشد و به وسیله او باطل را دفع کند؛ یعنی نماز زمینه‌ساز عزت واقعی و توانایی برای مبارزه با باطل است.

این حقیقت که نماز می‌تواند روحیه مقاومت را در اوج بحران شکل دهد و تقویت کند، در واقعه عاشورا به زیبایی تجلی یافت. در روز عاشورا هنگامی که یاران امام حسین علیه السلام در محاصره انبوه دشمن بودند و تیرها از هرسو به سوی آنان پرتاب می‌شد، ابو ثمامه صاعدی یکی از یاران باوفای امام، به ایشان عرض کرد: «لَا وَاللَّهِ لَا تُقْتَلُ حَتَّى أُقْتَلَ بَيْنَ يَدَيْكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَ لِكُنِّي أُحِبُّ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ رَبِّي وَ قَدْ صَلَّيْتُ هَذِهِ الصَّلَاةَ الَّتِي قَدْ حَضَرَ وَقْتُهَا: أَي أَبَاعِدُ اللَّهَ، جَانِمٌ بِهِ فِدَايَتِ، بِهِ خُدا سُوْگَنْد، شَمَا كُشْتَه نَخَوَاهِي شَد مِگَر اَيْنَكِه مَن پيش رويتان به قتل برسَم اِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ اما دوست دارم پروردگارم را ملاقات کنم در حالی که این نمازی را که وقتش نزدیک شده خوانده باشم». امام حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: «ذَكَرْتَ الصَّلَاةَ جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ الدَّاكِرِينَ، نَعَمْ هَذَا أَوَّلُ وَقْتِهَا»^۱ نماز را یاد کردی، خدا تو را از نمازگزاران و یادکنندگان قرار دهد. آری، این اول وقت نماز است».

این واقعه تاریخی نشان می‌دهد که یاران امام حسین علیه السلام تا چه اندازه به نماز اهمیت می‌دادند. ابو ثمامه صاعدی در آستانه شهادت و در بحبوحه نبرد، نماز را نه به مثابه یک تکلیف خشک، بلکه چونان فرصتی برای ارتباط با معبود و رسیدن به کمال روحی می‌دید. او می‌خواست قبل از ملاقات با خدا، با نماز خود را آماده این دیدار کند. این روحیه، مصداق کامل همان تواضع در برابر حق و سرافرازی در برابر دشمن است که در روایت امام صادق علیه السلام توصیف شد. او با نماز، خود را برای نبرد نهایی و شهادت آماده می‌کرد و این نماز بود که به او روحیه مقاومت و ایثار می‌بخشید.

این روایت ادامه دارد و ما در این نوشتار تنها به بخش‌هایی از آن اشاره کرده‌ایم که مرتبط با روحیه مقاومت در سنگر عاشورا است.

۱. ابومخنف کوفی، وقعة الطف، ج ۱، ص ۲۲۹.

کتابنامه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل في التاريخ، ج ۴، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن طاووس، علی بن موسی، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران: اسوه، ۱۳۸۹ ش.
۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۴. حسن بن علی علیه السلام امام یازدهم، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام، تحقیق: محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۲۶ ق.
۵. خوارزمی، موفق بن احمد اخطب، وقعة الطف، ج ۱، قم: مکتبه المفید، ۱۳۶۷ ش.
۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۷. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، ج ۱، قم: اسوه، ۱۳۸۴ ش.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارإحیاء التراث العربی، ۱۳۶۳ ق.
۱۰. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.